

فمینیسم آفریقایی در بافت نیجریه: مجلسی از تأییدها و انکارها

عیسی اوموتشو

مدرس گروه زبان‌شناسی و زبان‌های آفریقایی و اروپایی، دانشگاه ایالتی کوارا، مالت، نیجریه
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ایلورین، ایلورین، نیجریه

چکیده

شماری از زنان نویسنده برجسته آفریقایی درصد نظریه‌پردازی در رابطه با ریشه‌های فمینیسم در رابطه با تجربه خاص آفریقایی آن بر آمده‌اند. آن‌ها در نوشته‌های خلاق و انتقادی خود مشتاقانه به این مسأله پرداخته‌اند. تفاوت‌های ذاتی ایدئولوژیک این نویسندگان در تلاش برای یافتن گونه‌ای از فمینیسم آفریقایی به دلیل موقعیت اجتماعی-فرهنگی خاص آن‌ها، منجر به آنچه شده است که منتقدان همواره از آن به عنوان «صداها» فمینیسم آفریقایی یاد می‌کنند. در چنین شرایطی، از یک سو، چارلز نولیم (۱۹۹۴) بر این باور است که فمینیسم در ادبیات آفریقا «مجلسی تقسیم‌شده» است و از سوی دیگر، چیوما اوپرا (۲۰۱۳) در مقابل آن را «مجلسی یکپارچه» می‌داند. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی این دو قطب انتقادی می‌پردازد که تمامی اختلاف نظرهای انتقادی و نظری فمینیسم آفریقایی را تا حد زیادی در بر گرفته‌اند. با توجه به محتوای غنی انتقادی این دو پارادایم، هیچ یک از آن‌ها به نفع یا در دفاع از دیگری رد نمی‌شود. در عوض، این مقاله در تلاش است که تعادلی میان دو دیدگاه ایجاد کند و در نهایت به معرفی دیدگاه انتقادی خود بپردازد. این پژوهش با ذکر نمونه‌هایی از نوشته‌های سه زن نویسنده برجسته نیجریه‌ای، از الگوهای انتقادی ذکر شده به پارادایم جدیدی می‌رسد که فمینیسم را در ادبیات آفریقا، به ویژه در بافت نیجریه در نظر می‌گیرد و آن را «مجلسی از تأییدها و انکارها» می‌نامد.

واژگان کلیدی: فمینیسم آفریقایی؛ زنان نویسنده نیجریه‌ای؛ مجلسی تقسیم‌شده؛ مجلسی یکپارچه؛ مجلسی از تأییدها و انکارها.